



الحياة

دائرة المعارف الإسلامي، علمی، پژوهشی، که
روش زندگی فردی و اجتماعی آزاد و پیشرو را
ترسیم می‌کند، و اساسهای سراسر جهان را به
پیریزی یک نظام مردمی شایسته فرا می‌خواند.

جلد پنجم
محمد رضا حکیمی - محمد حکیمی - علی حکیمی



الحياة، جلد نهم

محمدرضا حکیمی، محمد حکیمی، علی حکیمی

انتشارات دلیل ما

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۱

تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

صفحه آرا: محمد جواد اسلامی

لینوگرافی: پرتو شمس

چاپ: نگارش

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۹۷-۸۴۹-۵

تلفن و نمابر: ۷۷۴۴۱۸۸ - ۷۷۳۳۴۱۳ (+۹۸۲۵۱)

قم، صندوق پستی: ۱۱۵۳ - ۳۷۱۳۵

WWW.Dalilema.com



انتشارات دلیل ما

مراکز پخش:

- ۱) قم، انتهای خیابان صفائی، بعد از کوچه ۳۹، پلاک ۷۵۹، فروشگاه دلیل ما، تلفن ۷۷۳۷۰۱۱ - ۷۷۳۷۰۰۱
- ۲) تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخر رازی، پلاک ۶۱، فروشگاه دلیل ما، تلفن ۶۶۴۶۴۱۴۱
- ۳) مشهد، چهار راه شهداء، ضلع شمالی باغ نادری، کوچه شهید خوراکیان، مجتمع تجاری گنجینه کتاب، طبقه اول، فروشگاه دلیل ما، تلفن ۲۲۳۷۱۱۳ - ۵

سرشناسه: حکیمی، محمدرضا، ۱۳۱۴ -

عنوان و نام پدیدآور: الحياة، دایرة المعارفی اسلامی، علمی، پژوهشی، کوشش... / محمدرضا حکیمی، محمد حکیمی، علی حکیمی.

مشخصات نشر: قم: دلیل ما، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری: ج ۹، ۸۹۲ ص.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۹۷-۸۴۹-۵ (دوره): ۱-۵۸-۳۹۷-۹۶۴-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: احادیث شیعه (تدوین ویژه) -- قرن ۱۴

شناسه افزوده: حکیمی، محمد، ۱۳۱۸ -

شناسه افزوده: حکیمی، علی، ۱۳۲۲ -

رده بندی کنگره: ی ۱۳۸۰ ۹۰۴۱ ج ۸ ح ۱۳۶ / ۹ BP

شماره رده دیویی: ۲۹۷ / ۲۱۲

شماره کتابشناسی ملی: ۸۳-۲۵۶۹۹ م

مقدمه
منشور خورشیدی

۳۱

۵۳

۲۹۸-۵۷

باب هجدهم: ویژگی های حکومت های صالح

فصل ۱- ویژگی های انسانی

۵۹

۵۹

۶۰

۶۴

۶۵

۶۸

۷۱

۷۳

۷۵

۷۸

(۱) - چگونگی رابطه با مردم

(۲) - رعایت کرامت مردم

(۳) - حق سخن گفتن و انتقاد برای مردم

(۴) - زندگی ، بدون فقر

(۵) - زندگی ، بدون ظلم

(۶) - زندگی ، بدون تحقیر

(۷) - زندگی ، بدون استعلا (برترنمایی)

(۸) - انسان محروم ، کرامت اصلی

(۹) - چه همکیش ، چه همنوع

۸۰	(۱۰) - رضایت عموم (نه طبقات خاص)
۸۰	(۱۱) - صلح طلبی
۸۱	(۱۲) - رعایت آداب سیاسی
۸۱	(در گفتار و رفتار با دولت های مخالف ، و ملت های مختلف)
۸۳	نگاهی به سراسر فصل
۸۷	فصل ۲ - ویژگی های فقهی
۸۷	(۱) - آموزش دین
	یادآوری (۱)
۸۸	ا - آموختن قرآن کریم
۸۹	ب - قرائت قرآن کریم
۸۹	ج - آداب قرائت
۹۰	د - حفظ قرآن کریم
۹۱	اشاره
۹۲	ه - بی نیازی با قرآن کریم
۹۲	و - از غیر قرآن هدایت نخواهید !
	یادآوری (۲)
۹۴	(نشر و آموزش احادیث)
	یادآوری (۳)
۹۵	(مساوات در آموزش و پرورش)
۹۷	احیاء امر آل محمد « ص »
۹۷	(هشدار مهم)
۹۷	(۲) - گسترش آگاهی در جامعه

۹۸	(۳) - ترویج علوم تجربی
۱۰۰	(۴) - مبارزه با تکاثر (سرمایه داری)
۱۰۲	(۵) - حذف تجمل گرایی
۱۰۳	(۶) - دور کردن نزدیکان (ناسایستگان)
۱۰۴	(۷) - نزدیک کردن دوران (شایستگان)
۱۰۵	(۸) - خبرگیری از فراموش شدگان
۱۰۷	نگاهی به سراسر فصل
۱۰۹	تنسیه
۱۱۳	فصل ۳ - ویژگی های حکومتی
۱۱۳	(۱) - خود اصلاحی و اصلاح دولتمردان
۱۱۸	(۲) - اخلاق انسانی
۱۱۹	(۳) - رشد و بینش گرایی
۱۲۰	(۴) - ضرورت کاردانی و تخصص (در سیاست و مشاغل ...)
	(۵) - مشورت با آگاهان
۱۲۳	(و استفاده از تجربه دیگران : ملت ها ، دولت ها)
۱۲۵	(۶) - قاطعیت (تصمیم گیری بموقع)
۱۲۹	(۷) - جرئت اقدام
۱۳۰	(۸) - حق گرایی
۱۳۲	نگاهی به سراسر فصل
۱۳۸	فصل ۴ - ویژگی های حقوقی
۱۳۸	(۱) - اعتقاد به قانون

۱۳۹	(۲) - برای خود ، برای مردم
۱۴۱	(۳) - تشجیع مردم (۱)
۱۴۱	(۴) - تشجیع مردم (۲)
۱۴۲	(۵) - تحقیر مردم ، هرگز ... !
۱۴۳	(۶) - حقوق حیوانات در حاکمیت
۱۴۴	نگاهی به « حقوق حیوانات در اسلام »
۱۴۵	فصل ۵- ویژگی‌های اخلاقی
۱۴۵	(۱) - دوری از ستایش خواهی و تملق دوستی
۱۴۸	(۲) - پرهیز از تسلط طلبی
۱۵۰	یادآوری
۱۵۱	(۳) - نفی استبداد
	(۴) - نقدپذیری
۱۵۱	(ضرورت انتقاد ، از ضعف‌های حاکمیت)
۱۵۳	(۵) - مردم‌باوری و توده‌سالاری واقعی (نه شعاری)
۱۵۶	(۶) - رفتار خوب با دشمن
۱۵۹	نگاهی به سراسر فصل
۱۶۲	فصل ۶- ویژگی‌های اجرایی
	(۱) - نظارت دقیق
۱۶۲	(بر رؤسای جمهور و معاونان ... و دیگر کارگزاران)
۱۶۵	(۲) - تنبیه مأموران خطا کار
۱۶۶	(۳) - تشویق مأموران خدمتگزار

(۴) - شناخت موقعیت ها

۱۶۷

(شرائط و اوضاع جامعه و جهان)

۱۶۸

(۵) - برنامه ریزی درست (کارشناسانه)

۱۶۹

(۶) - عایت اصل حیاتی اهم و مهم

۱۷۰

(۷) - اعمال روش های منطقی

۱۷۱

(۸) - احترام و اهتمام شدید به اموال عمومی و به حقوق مردم

۱۷۵

(۹) - آینده گری

۱۷۶

(۱۰) - وسواس شدید در مصرف اموال دولتی (اموال عمومی)

۱۷۸

نگاهی به سراسر فصل

۱۸۳

فصل ۷ - ویژگی های اقتصادی

(۱) - گسترش عدالت در همه زمینه ها

۱۸۳

(اقتصادی ، سیاسی ، قضایی ، اجتماعی ، فرهنگی و ...)

۱۸۵

(۲) - تأمین سرمایه های لازم برای رشد اقتصادی

۱۸۶

(۳) - استفاده بهینه از بیت المال و منابع

۱۸۷

(۴) - مبارزه باریشه های « رانت خواری »

۱۸۸

(۵) - نظارت بر مبادلات تجاری

۱۸۹

(۶) - توسعه اقتصادی ، پیش از توسعه سیاسی

۱۹۱

(۷) - تغذیه خوب

۱۹۱

(۸) - تأمین مسکن

۱۹۱

(۹) - آب آشامیدنی سالم

۱۹۲

(۱۰) - تأمین گوشت برای خانواده های فاقد امکانات

۱۹۲

(۱۱) - تأمین زندگی از کار افنادگان

۱۹۲	(۱۲) - توجه به حقوق کشاورزان و کارگران
۱۹۴	نگاهی به سراسر فصل
۱۹۶	فصل ۸ - ویژگی های اجتماعی
۱۹۶	(۱) - تأمین امنیت
۱۹۶	یک - امنیت نظامی
۱۹۸	دو - امنیت نظامی
۱۹۹	تذیسل (۱) : (برخورد با مخالفان)
۲۰۱	تذیسل (۲) : (اوج رفتار انسانی)
۲۰۳	سه - امنیت اعتقادی
۲۰۵	چهار - امنیت اقتصادی
۲۰۹	پنج - امنیت قضایی
۲۱۴	شش - امنیت شغلی
۲۱۵	هفت - امنیت غذایی
۲۱۶	هشت - امنیت سکنايي
۲۱۶	نه - امنیت اجتماعی
۲۲۰	ده - امنیت حقوقی
۲۲۲	تنبيهی بسیار مهم (وظایف حاکمیت اسلامی)
۲۲۶	نامه حضرت امام حسین « ع » به معاویه بن ابوسفیان
۲۲۸	(۲) - کارگزاران ، در حاکمیت های صالح
۲۲۸	یک - خردمندان
۲۲۸	دو - دینداران
۲۲۹	سه - سیاست شناسان

۲۲۹	چهار - طرد کم خردان
۲۲۹	پنج - بکارگماردن صالحان
۲۳۰	شش - جذب با کفایتان
۲۳۰	هفت - پشتکار داران
۲۳۱	هشت - اقدام کران
۲۳۱	(۳) - پرهیز از خوشگذرانی و شاد خواری
۲۳۱	(و ترک سفرهای پرهزینه و غیر ضروری ، و ساختمان های مجلل و ...)
۲۳۴	(۴) - رعایت احوال ضعیفان
۲۳۶	تعلیمی عظیم
۲۴۱	(۵) - ضوابط ، نه روابط
۲۴۵	(۶) - واقع بینی درباره اعضای حاکمیت
۲۴۶	(۷) - احیای سنت و نفی بدعت
۲۴۸	(۸) - هموار سازی راه خوشبختی و آسایش برای مردم
۲۵۰	فصل ۹ - ویژگی های مردمی (۱)
۲۵۰	(۱) - ایجاد هماهنگی و همدلی در میان مردم
۲۵۲	(۲) - زمامدار ، چون دیگر مردم
۲۵۳	(۳) - فروتنی در برابر مردم
۲۵۵	(۴) - خوش قولی و عمل به وعده ها
۲۵۶	(۵) - تکیه به پشتوانه های مردمی
۲۵۸	(۶) - یکپارچگی با مردم
۲۵۹	(۷) - توجه به مشکلات مردم
۲۶۰	(۸) - در سطح پایین ترین مردم

۲۶۲	(۹) - جلب محبت و اعتماد مردم
۲۶۳	(۱۰) - انگیزه دادن به مردم برای کوشش و فداکاری
۲۶۵	فصل ۱۰ - ویژگی‌های مردمی (۲)
۲۶۵	(۱) - مسئولیت‌شناسی در برابر مردم
۲۶۷	(۲) - هرورزی در حق مردم
۲۷۰	(۳) - رابطه با مردم، بر پایه عدالت
۲۷۲	(۴) - اجرای مساوات ...
۲۷۴	یادآوری (تفاوت‌های معیسی)
۲۷۵	(۵) - تساهل و مدارا
	تتمیم (۱)
۲۷۸	- ترک ارتباط با اغنیا و توانگران (از ویژگی‌های مهم حکومت‌های صالح)
۲۸۴	فاجعه غفلت از «سوره تکاثر»
	تتمیم (۲)
۲۸۸	- ایجاد ارتباط با فقرا و محرومان (از ویژگی‌های مهم حکومت‌های صالح)
۲۹۱	نگاهی به سراسر فصل
۲۹۶	یادآوری (۱)
۲۹۷	یادآوری (۲)
۲۹۷	یادآوری (۳)
۲۹۹ - ۳۵۲	باب نوزدهم: ویژگی‌های حکومت‌های فاسد
۳۰۱	فصل ۱ - فسادهای عام
۳۰۱	(۱) - فساد و تباهی عمومی

۳۰۳	(۲) - ستمگری و ستمگسری
۳۰۵	(۳) - تبعیض در اجرای قانون
۳۰۷	(۴) - تحریف و تفسیر نادرست قانون
۳۰۸	(۵) - کار دادن به گمراهان و ناواردان و نفوذیان
۳۰۹	(۶) - گسستن بدعت‌های ویرانگر
۳۱۱	فصل ۲ - مبارزه با آگاهی
۳۱۱	(۱) - مبارزه با آگاهی
۳۱۲	(۲) - نگرش نادرست به واقعت‌ها
	(۳) - نسنجیده کاری
۳۱۳	(ترک کارهای اصلی ، و پرداختن به کارهای فرعی)
۳۱۴	(۴) - درست‌نمایی کارهای نادرست
۳۱۵	(۵) - گمراه‌گری افکار
۳۱۶	(۶) - عاقبت‌نپندیشی
۳۱۹	(۷) - عبرت‌نیاموزی
	(۸) - آمیختن حق و باطل
۳۲۱	(درست و نادرست ، در سیاست ، اقتصاد ، دین ، فرهنگ و ...)
۳۲۳	فصل ۳ - ضعف مدیریت
۳۲۳	(۱) - ضعف‌های مدیریت
۳۲۴	(۲) - فقدان امنیت اجتماعی
	(۳) - ترویج فساد
۳۲۵	(برای سست کردن اراده‌ها ، و نابودی حماسه‌های مردمی)
۳۲۷	(۴) - فرار از مسئولیت

- ۳۲۸ (۵) - تحقیر مردم و زبون ساختن جامعه
 ۳۳۰ (۶) - خودخواهی و استبداد

فصل ۴ - نظام طبقاتی ۳۳۲

- (۱) - ترویج فرهنگ طبقاتی ، و آزادی تفاوت های سنگین معیشتی
 ۳۳۲ (زنلگی قارونی ، نه قرآنی)
 ۳۳۳ (۲) - فاصله گیری از مردم
 ۳۳۵ (۳) - غارت اموال مردم ، از طریق نفوذیان و راهسازی قانونی برای اختلاس و غارت
 ۳۳۷ (۴) - تکیه به قدرت های بوج و دروغین
 ۳۳۸ (۵) - تحقیر بیدارگران اجتماعی

فصل ۵ - مردم ستیزی ۳۴۰

- (۱) - هواداری از سنت های کهنه ، برای ساززه با ارزش های نو
 ۳۴۰ (۲) - تأکید بر مظاهر مادی (و تحقیر ارزش های والا)
 ۳۴۱ (۳) - رفتار خشونت آمیز با مردم
 ۳۴۵ (۴) - تحمیل نظر خویش بر آگاهان
 ۳۴۶ (از طریق قدرت و ارباب ، و تهییج عوام)
 ۳۴۷ (۵) - همکاری با نفوذیان خائن و اختلاس گران بی دین
 ۳۴۹ نگاهی به سراسر فصل

باب بیستم : ویژگی های جامعه های صالح ۴۸۵ - ۳۵۳

فصل ۱ - ویژگی های فرهنگی ۳۵۵

- (۱) - عقل گرایی (عقلانیت)
 ۳۵۵ (۲) - مدیریت و برنامه ریزی
 ۳۵۷

۳۵۸	(۳) - استفاده از متخصصان
۳۵۹	(۴) - دوراندیشی در برنامه ریزی و کارها
۳۶۰	(۵) - بهره وری از تجربه دیگران
۳۶۱	(۶) - آزادی انتقاد
۳۶۲	نگاهی به سراسر فصل
۳۶۶	یادآوری
۳۶۷	فصل ۲ - ایمان و عقیده
۳۶۹	نگاهی به سراسر فصل
۳۷۱	فصل ۳ - آگاهی اعتقادی - اجتماعی - سیاسی - اقتصادی
۳۷۴	فصل ۴ - اخلاق انسانی و سلامت روانی
۳۷۷	نگاهی به سراسر فصل
۳۷۹	فصل ۵ - امید، آرزو، پویایی
۳۸۲	نگاهی به سراسر فصل
۳۸۵	فصل ۶ - نشاط و شادمانی
۳۸۸	فصل ۷ - گسترش نشاط و سرزندگی، در جامعه
۳۹۳	نگاهی به سراسر فصل
۳۹۵	فصل ۸ - گرایش به ارزش ها (افکار و کردار ارزشی)
۳۹۷	نگاهی به سراسر فصل

فصل ۹- استواری در اعتقاد، ودوری از نفاق مرامی و عقیدتی

۳۹۹

نگاهی به سراسر فصل

۴۰۱

فصل ۱۰- ویژگی های اجتماعی

۴۰۲

(۱) - اتحاد و یکپارچگی

۴۰۲

(۲) - برادری و برابری

۴۰۵

(۳) - روابط بر پایه صمیمیت و خوشگمانی

۴۰۶

(۴) - امر به معروف و نهی از منکر

۴۰۸

(۵) - مسئولیت شناسی

۴۱۰

(۶) - مهربانی در روابط

۴۱۱

(۷) - جای تساهل، جای خشونت

۴۱۳

(۸) - قانون گرایی و حدشناسی

۴۱۶

(۹) - مساوات در برابر قانون

۴۲۳

(۱۰) - امنیت در جامعه

۴۲۵

(۱۱) - پشتیبانی از حقوقیان و عدالت طلبان

۴۲۸

(۱۲) - مددکاری ناتوانان

۴۳۰

(۱۳) - همسانی حاکمان در معیشت، با ضعیف ترین افراد جامعه

(اصلی مهم، در حاکمیت های صالح و اسلامی، که مدعیان را رسوا می کند) ۴۳۲

(۱۴) - تشویق نیکوکاران و خدمتگزاران، و حرمت گزاری به آنان ۴۳۳

(۱۵) - آمادگی و پیشگیری از حوادث اجتماعی

(تسلیمات دفاعی، قدرت های امنیتی، حماسه داری) ۴۳۵

تذییل (۱): (آزادی انسان) ۴۳۸

۴۳۹	تذییل (۲) : (آزادی اظهار نظر)
۴۴۱	نگاهی به سراسر فصل
۴۴۷	یادی از فریاد
۴۴۹	فصل ۱۱- ویژگی های سیاسی
۴۴۹	(۱)- پذیرش حاکمیت صالح
۴۵۲	(۲)- تشکّل های سیاسی مطمئن و اصولی
۴۵۴	نگاهی به سراسر فصل
۴۵۵	فصل ۱۲- ویژگی های اقتصادی
۴۵۵	(۱)- حضور فراگیر عدالت
۴۵۸	(۲)- رفاه عمومی و اقتصاد سالم
۴۶۰	(۳)- پرهیز از مصرف گرایی
۴۶۱	(۴)- شکر نعمت و استفاده بهینه از مواد و امکانات
۴۶۳	(۵)- محکومیت و طرد تکاثر (سرمایه داری و مضار آن)
۴۶۵	(۶)- محیط زیست سالم
۴۶۶	یسادآوری
۴۶۸	بنگرید
۴۷۲	اهمیت حیاتی مسائل محیط زیست
۴۷۲	(۱)- تغییر های کلی
۴۷۵	(۲)- گونه های حیوانی
۴۷۸	(۳)- حقوق حیوانات
۴۷۹	(۴)- درختان و گیاهان
۴۸۳	نگاهی به سراسر فصل

باب بیست و یکم: ویژگی های جامعه های فاسد

۴۸۷-۵۶۵

فصل ۱- ویژگی های فرهنگی

۴۸۹

۴۸۹

(۱) - ناآگاهی اجتماعی - سیاسی

۴۹۳

(۲) - اخلاق نکوهیده و غیر انسانی

۴۹۵

پساداوری

۴۹۵

(۳) - شهوت بارگی و گرایش های پست

۴۹۷

(۴) - علاقه اهراطی به زندگی (و گریز از مرگ و فداکاری)

۴۹۹

(۵) - نفاق عقیبنی

۵۰۱

(۶) - اختناق

۵۰۳

(۷) - بی تعهدی و مسئولیت ناشناسی

۵۰۵

(۸) - غفلت از حوادث ...

۵۰۵

(۹) - ناسپاسی درباره خدمتگزاران

۵۰۷

(۱۰) - منزوی کردن حق گویان و عدالت خواهان

فصل ۲- ویژگی های اداری

۵۱۰

(۱) - طرفداری از فاسدان ، باطل گرایان ، سرمایه داران رشوه پرداز ، نفوذی های

۵۱۰

خائن ، و اختلاس گران متکی به مقامات

۵۱۱

(۲) - ترک امر به معروف و نهی از منکر ، (بلکه امر به منکر و نهی از معروف)

(۳) - پرداختن به ظواهر مذهبی

۵۱۳

(بدون رعایت احکام دینی و اجرای قسط قرآنی)

۵۱۵

(۴) - اوضاع و احوال آشفته

۵۲۰

(۵) - بیگانگی و تضادهای طبقاتی

(۶) - روابط ناسالم اجتماعی

۵۲۱

(روابط با بدگمانی و دروغگویی)

۵۶۱	فصل ۸- ویژگی‌های روانی (یاس و بدبینی)
	تتمیم
۵۶۲	(مطبوعات ناسودمند)
۷۸۵-۵۶۷	باب بیست و دوم: اصول بنیادین در جامعه‌های صالح (۱)
۵۶۹	فصل ۱- تحکیم روابط اجتماعی
۵۷۲	نگاهی به سراسر فصل
۵۷۳	یادآوری (۱)
۵۷۳	یادآوری (۲)
۵۷۴	فصل ۲- عوامل تحکیم روابط اجتماعی
۵۷۴	(۱)- عدالت و انصاف
۵۷۶	(۲)- نیکی و احسان
۵۷۷	(۳)- همیاری و مدد رسانی
۵۸۴	یادآوری
۵۸۴	(۴)- تربیت‌های انسانی
۵۸۵	نگاهی به سراسر فصل
۵۸۷	یادآوری (۱)
۵۸۸	یادآوری (۲)
۵۹۰	فصل ۳- نقش اخلاق در تحکیم روابط اجتماعی
۵۹۱	نگاهی به سراسر فصل
۵۹۲	فصل ۴- رعایت شخصیت افراد (احترام متقابل)
۵۹۶	نگاهی به سراسر فصل

۵۹۹	فصل ۵- اصل تجانس و تناسب در روابط
۶۰۲	نگاهی به سراسر فصل
۶۰۳	فصل ۶- نرمش و مدارا
۶۰۸	نگاهی به سراسر فصل
۶۱۰	فصل ۷- سعه صدر (گشاده دلی)
۶۱۱	فصل ۸- خوش برخوردی و گشاده رویی
۶۱۶	فصل ۹- راهنمایی و خیرخواهی
۶۱۹	فصل ۱۰- اظهار حقیقت و انتقاد سازنده
۶۲۱	فصل ۱۱- صراحت در اظهار حق
۶۲۳	نگاهی به سراسر فصل
۶۲۴	فصل ۱۲- ستایش نیکی و تکوین بدی
۶۲۷	نگاهی به سراسر فصل
۶۲۸	فصل ۱۳- مشورت و نظرخواهی
۶۳۰	فصل ۱۴- فروتنی، در روابط اجتماعی
۶۳۳	فصل ۱۵- اصلاح میان مردم
۶۳۶	فصل ۱۶- تغییر حکم شرعی (در جهت اصلاح فردی و اجتماعی)
۶۳۸	فصل ۱۷- اظهار داشتن محبت و دوستی
۶۴۱	فصل ۱۸- دوری از درگیری و جدال
۶۴۳	فصل ۱۹- پرهیز از رفتار ناهنجار

۶۴۵	فصل ۲۰- تحقّق لغزش و خطا
۶۵۰	نگاهی به سراسر فصل
۶۵۱	فصل ۲۱- پرهیز از عیب جویی
۶۵۳	فصل ۲۲- عیب پوشی
۶۵۷	فصل ۲۳- پرهیز از تجسّس در افکار و عقاید
۶۵۹	فصل ۲۴- پرهیز از سرزنش و تمسخر
۶۶۲	فصل ۲۵- مبارزه با سترش فساد و گناه در جامعه
۶۶۴	فصل ۲۶- مبارزه اصولی با علل فساد، گناه و انحراف و سقوط
۶۷۰	فصل ۲۷- حمل به صحت
۶۷۳	نگاهی به سراسر فصل
	یادآوری
	(افشاگری خاطیان ، و نقش مهم آن ، در بازگرداندن سلامت به حکومت ها ، عملکردها و جامعه ها ...)
۶۷۳	
۶۷۶	فصل ۲۸- چگونگی رابطه با گناهکاران
۶۷۸	نگاهی به سراسر فصل
۶۷۹	فصل ۲۹- عذر خواهی
۶۸۰	فصل ۳۰- عذر پذیری
۶۸۲	فصل ۳۱- بد تکن ، و عذر مخواه
۶۸۴	فصل ۳۲- دوری از محلّ اتهام
۶۸۶	نگاهی به سراسر فصل

۶۸۸	فصل ۳۳- حسن ظن
۶۹۰	فصل ۳۴- سوء ظن
۶۹۳	تذییل (۱)
۶۹۵	تذییل (۲)
۶۹۶	تذییل (۳)
۶۹۷	فصل ۳۵- راستی و راستداری، در روابط اجتماعی
۶۹۹	تکمیل : سخن ، امانت است
۷۰۰	هشدار !
۷۰۲	فصل ۳۶- پرهیز از شوخی زیاد و بیجا
۷۰۵	فصل ۳۷- شوخی باندازه و بیجا
۷۰۷	فصل ۳۸- دیدار با دوستان
۷۰۹	فصل ۳۹- گسترش تربیت اسلامی (رعایت کرامت انسانی)
۷۱۳	فصل ۴۰- مصافحه (دست دادن)
۷۱۵	فصل ۴۱- پرسش از نام و نشان
۷۱۷	فصل ۴۲- ادب حضور
۷۲۱	فصل ۴۳- رعایت نظافت در اجتماع
۷۲۴	نگاهی به سراسر فصل
۷۲۵	فصل ۴۴- ظاهر آراسته
۷۲۸	نگاهی به سراسر فصل
۷۳۱	فصل ۴۵- رعایت موازین ارزشی در روابط

فصل ۴۶- گفتار خوب و نرم با مردم

۷۳۵

نگاهی به سراسر فصل

۷۳۷

فصل ۴۷- گوش فرا دادن به گفتار دیگران

۷۳۹

فصل ۴۸- قطع نکردن کلام دیگران

۷۴۱

فصل ۴۹- تناسب سخن با درک طبقات مختلف

۷۴۲

فصل ۵۰- پرهیز از نجوی (درگوشی سخن گفتن، در حضور دیگران)

۷۴۴

فصل ۵۱- تشکر و سپاسگزاری

۷۴۶

فصل ۵۲- هدیه دادن

۷۴۹

تتمیم

(۱)- هدیه پذیرفتن

۷۵۱

(۲)- هدیه معنوی

۷۵۱

فصل ۵۳- میهمانی

۷۵۳

(۱)- گرامی داشت میهمان

۷۵۴

(۲)- پذیرش دعوت

۷۵۵

(۳)- مراعات حال میزبان و خانواده او

۷۵۶

فصل ۵۴- روابط همسایگی

۷۵۷

(۱)- شناخت همسایگان

۷۵۷

(۲)- همسایه، چون خود انسان

۷۵۸

(۳)- پاسداری از همسایه

۷۶۰

(۴)- خوشرفتاری با همسایگان

۷۶۰

۷۶۱	(۵) - مسئولیت در برابر همسایگان
۷۶۲	(۶) - تامین نیازهای غذایی
۷۶۳	(۷) - برآورد نیازهای زندگی
۷۶۴	(۸) - خودداری از آزار همسایگان
۷۶۵	(۹) - حدود همسایگی
۷۶۶	نگاهی به سراسر فصل
۷۶۷	فصل ۵۵ - وفای به وعده و پیمان
۷۶۹	فصل ۵۶ - عیادت بیماران (هدیه بردن ، کم نشستن)
۷۷۱	تذییل : تشییع جنازه ، نماز میت
۷۷۳	فصل ۵۷ - مهربانی و همدردی با دیگران
۷۷۵	فصل ۵۸ - کاستن از ناسازگاری
۷۷۶	فصل ۵۹ - رفتار انسانی (۱)
۷۸۰	فصل ۶۰ - رفتار انسانی (۲)
۷۸۴	نگاهی به سراسر فصل
۷۸۷ - ۸۴۸	باب بیست و سوم : اصول بنیادین در جامعه‌های صالح (۲)
۷۸۹	فصل ۱ - خود ، معیار رفتار با دیگران
۷۹۰	فصل ۲ - عدالت ، معیار در روابط اجتماعی
۷۹۰	عدالت ، در معاشرت (۱)
۷۹۱	عدالت ، در معاشرت (۲)
۷۹۱	عدالت ، در معاشرت (۳)

۷۹۲	عدالت ، در معاشرت (۴)
۷۹۲	عدالت ، در معاشرت (۵)
۷۹۲	عدالت ، در معاشرت (۶)
۷۹۳	عدالت ، در معاشرت ، عامل تکامل ایمان
۷۹۴	فصل ۳- اصل انصاف ، در روابط عمومی
۷۹۸	فصل ۴- اصل انصاف ، در روابط خانوادگی و خویشاوندی
۷۹۹	فصل ۵- قانون گرایی و حق بدیگری
۸۰۱	فصل ۶- هر چه برای خود ، برای دیگران
۸۰۵	فصل ۷- هر چه نه برای خود ، نه برای دیگران
۸۰۶	فصل ۸- خوبی کن تا خوبی کنند
۸۰۸	فصل ۹- چشمپوشی کن تا چشمپوشی کنند
۸۱۰	فصل ۱۰- به دیگران رحم کن ، چنانکه به خوشتن
۸۱۱	فصل ۱۱- خیرخواه دیگران باش ، چون خیرخواه خود
۸۱۲	فصل ۱۲- از دیگران چنان یاد کن که می خواهی از تو یاد کنند
۸۱۴	فصل ۱۳- بهترین گفتار با مردم
۸۱۶	فصل ۱۴- ستم مکن ! چنانکه نمی خواهی به تو ستم کنند
۸۱۷	فصل ۱۵- همگان را از خود بهتر بدان
۸۱۹	فصل ۱۶- نیکی اندک دیگران را زیاد شمار ، و نیکی زیاد خود را اندک !
۸۲۰	فصل ۱۷- لغزش دیگران را کوچک بدان ، و لغزش خود را بزرگ !
۸۲۱	فصل ۱۸- آنچه را از دیگران ناشایسته می دانی ، از خود نیز ناشایسته بدان !
۸۲۲	فصل ۱۹- خود را به سختی بینداز ، برای راحت رسانی به دیگران
۸۲۴	فصل ۲۰- بی نیازی از مردم و نیاز به آنان

۸۲۶	فصل ۲۱- اعتدال در روابط
۸۲۸	فصل ۲۲- مساوات
۸۳۲	فصل ۲۳- موااسات
۸۳۶	فصل ۲۴- ایشار (مقدم داشتن دیگران بر خود)
۸۴۱	نگاهی به سراسر چند فصل
۸۴۹-۸۹۰	باب بیست و چهارم: عوامل گسترش روابط اجتماعی
۸۵۱	فصل ۱- یسوادى وبى فرهنگى
۸۵۴	فصل ۲- حق کشى و ظلم
۸۵۶	فصل ۳- فاصله هاى نامعقول و نامشروع طبقاتى
۸۶۲	فصل ۴- ناهنجارى هاى تربیتى و اخلاقى
۸۶۴	فصل ۵- کینه توزى و دشمن خوئى
۸۶۷	فصل ۶- خشونت
۸۶۸	فصل ۷- اختلاف و ستیزه گرى
۸۷۰	فصل ۸- نیرنگ و نفاق
۸۷۲	فصل ۹- خودبینى و بزرگ نمایی
۸۷۴	فصل ۱۰- سخن چینى و تفرقه افکنى
۸۷۷	فصل ۱۱- جدایی و دورى از هم
۸۸۰	فصل ۱۲- غیبت
۸۸۳	فصل ۱۳- تهمت
۸۸۵	فصل ۱۴- فراموش شدگى و فراموش شدگان
۸۸۸	نگاهی به سراسر چند فصل

مقدمه

انسان، برای رشد و تعالی، به این جهان آمده است. رشد و تعالی، با دستیابی به نیازها، و رسیدن به «بی‌نیازی» حاصل می‌شود. انسان - در زندگی و ابدیت - دو نیاز اصلی دارد: نیازی روحی و نیازی جسمی.

نیاز روحی انسان، «توحید» است و اعتقاد صحیح توحیدی؛ که تنها نبودن و پشتوانه داشتن در عالم هستی است، و ارتباط صحیح با خالق یکتا، و حرکت در راه او.

نیاز جسمی انسان، «عدالت» است، یعنی: ارتباط صحیح با خالق خدا، و حرکت در راه خیررسانی به خلق خدا.

و از اینجا است که «قرآن کریم»، درباره «پیامبران» (که برای رشد و تعالی انسان و هدایت او آمدند)، می‌فرماید: آنان، برای بشریت دو پیام داشتند:

۱- «أَنْ أَعْبُدُوا اللَّهَ ...» (توحید).

۲- «وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ ...» (عدالت).

به اینجا که می‌رسیم، می‌نگریم که مسئله اصلی انسان، دانستن راه عبادت و عدالت است، یعنی: مسئله «هدایت»، و رسیدن به «صراط مستقیم»، با پیدا کردن راهی

درست، مطابق واقع، و مورد تأیید خدای متعال، که او را به آن دو مقصد (توحید - عدالت) برساند.

و از این نقطه مهم، و از این منشأ عقلانی است، که «انسان عادی»، به «انسان هادی»، سخت نیاز پیدا می‌کند. انسان عادی، یعنی: همه انسان‌ها، در هر سطحی از استعداد، دانش، تفکر، تفلسف و... در هر جای جهان، و در هر مقطعی از تاریخ.

و «انسان هادی»، یعنی: انسان مبعوث از جانب خدا، و تعلیم یافته به تعلیم الهی، برای هدایت انسان‌ها به «صراط مستقیم»، زیرا غیر هادی، خود نیز نیازمند به هدایت است. و نیازمند، بی‌نیاز نمی‌تواند کرد.

این است و این، که قرآن کریم می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ...»^۱

- ای انسان‌های با ایمان، باید از خدا و پیامبر و فرمانروایان خود پیروی کنید.^۲

«أولو الأمر»، برای هدایت انسان است؛ پس - به حکم عقل - نمی‌تواند غیر معصوم باشد، وگرنه انسان‌ها را، در علم و عمل (معرفت و سلوک)، گمراه می‌کند، به جای اینکه هدایت کند. «مجمع البیان» می‌گوید: «عالمان ما از اسامی باقر «ع» و امام صادق «ع» روایت کرده‌اند که أولو الأمر، یعنی: ائمة آل محمد «ص»... که اطاعت آنان واجب است، و عصمت ایشان (به نصّ آیه تطهیر) ثابت، نه هر کسی بطور مطلق،

۱. «سورة نساء» (۴): ۵۹.

۲. مراد از «أولو الأمر»، ائمة معصومین هستند - «مجمع البیان» ۳/ ۶۴.

زیرا نمی شود بر انسان اطاعت غیر معصوم «ع» واجب باشد، یعنی: اطاعت کسی که خود ممکن است خطا کند!! آری، انسان بالاتر از آن است که به دست غیر معصوم سپرده شود! و این است حقیقت والا و انسانی تشیع.

و از اینجا است که طلب هدایت، و جستن راه و راهنما، از غیر طریق وحی و معصوم، خلاف حکم عقل است، چون مصونیت نمی آورد، و ضلالت محض، و انحراف صرف است؛ چنانکه پیامبر اکرم «ص»، در حدیث معتبر فرموده است:

«مَنْ ابْتَغَى الْعِلْمَ فِي غَيْرِهِ، أَضَلَّهُ اللَّهُ»^۱.

- هر کس دانش (و آگاهی از حقیقت) را، از غیر قرآن بسجوید، خداوند او را گمراه می کند.

زیرا چنین کسی، به غیر کتاب خدا و هدایت الهی روی آورده، و به ریسمان استوار الهی (حبل الله المتین)، چنگ نزده است، و به «عُرْوَةُ الْوُثْقَى معصوم» نیاویخته است:

نیز پیامبر اکرم «ص» فرموده است:

«مَنْ طَلَبَ الْهُدَى فِي غَيْرِهِ، أَضَلَّهُ اللَّهُ»^۲.

- هر کس از غیر قرآن هدایت بسجوید، خداوند (نارل) کننده قرآن (برای هدایت)، او را گمراه خواهد کرد.

نیز حضرت امام ابوالحسن علی بن موسی الرضا «ع» فرموده اند:

«كَلَامُ اللَّهِ لَا تَتَجَاوَزُوهُ، وَلَا تَطْلُبُوا الْهُدَى فِي غَيْرِهِ، فَتَضِلُّوا»^۳.

۱. «تفسیر عیاشی» ۶/۱.

۲. «تفسیر امام حسن عسکری -ع-»، به نقل از علامه مجلسی (بحار ۳۱/۹۲).

۳. «امالی شیخ صدوق» ۳۲۶.

- کتاب خدا را دور نزنید (و آیات آن را با فلسفه یونانی و عرفان هندی و ... تأویل و توجیه و معنی نکنید)، و از خارج قرآن هدایت (به حقیقت) را نطلبید، که گمراه خواهید شد.

و برای پیروی تام، از قرآن و معصوم «ع» است (که عین حکم عقل است نه تعبّد، از جمله، همین حدیث شریف، از حضرت امام رضا «ع»)، اینکه شیخ اعظم انصاری (م: ۱۲۸۱ ق) می‌فرماید:

«... وَأَوْجِبُ مِنْ ذَلِكَ، تَرْكُ الْخَوْضِ فِي الْمَطَالِبِ الْعَقْلِيَّةِ النَّظَرِيَّةِ، لِإِدْرَاكِ مَا يَتَنَلَّقُ بِأَصُولِ الدِّينِ، فَإِنَّهُ تَعْرِضُ لِلْهَلَاكِ الدَّائِمِ، وَالْعَذَابِ الْخَالِدِ»^۱

- واجب‌تر از نپرداختن به مطالب فلسفی در استنباط احکام فقهی، نپرداختن به مطالب فلسفه است، برای فهم «اصول دین و عقاید» [حقیقت‌های دینی]، زیرا که این کار (وارد کردن فلسفه در حقایق اعتقادی و شناخت‌های دینی)، مبتلا کردن خود، به هلاکت دائمی و عذاب ابدی است.

و آقا علی حکیم^۲ (م: ۱۳۰۷ ق) می‌گوید:

«طریق نجات آن است که انسان، پس از اطلاع بر رئوس مسائل اعتقادیّه، بنای خود را بر این گذارد، که هر یک از آنها که مطابق

۱. «رسائل» (مبحث قطع) ۱/ ۶۴.

۲. مدرّس بزرگ فلسفه صدرایی، که برخی از صاحب‌نظران فلسفی، او را بر ملا علی نوری (م: ۱۲۴۶ ق) ترجیح داده‌اند، در حالی که نوری را قرین ملاصدرا، و برخی بالاتر دانسته‌اند «...» «الهیات الهی و الهیات بشری - نظرها / ۵۲۹ - ۵۳۰». و آقا علی حکیم، کتاب «سبیل الزّشاد» را، در رد و نقد «معاد مثالی» نوشته است، و بیان اینکه جناب ملاصدرا، از راه فلسفه، به حقیقت معاد نرسیده است.

اعتقاد ائمه معصومین - علیهم السلام - است معتقد باشد، و هر یک از آنها که مطابق نباشد، منکر ...».

و در مقام عظمت علوم ائمه طاهرين «ع» (که در احادیث ایشان بیان شده است)، و اهميت استفاده علمی، و نیل به حقایق قطعی، از طریق احادیث، فیلسوف بزرگ، ناقد فلسفه یونانی و آراء ارسطویی، و حدیث دان ماهر، و سندشناس متبحر، میر محمد باقر داماد حسینی (م: ۱۰۴۰ ق) می فرماید:

«إِنَّ هَناكَ أَحادیثَ جَمَّةً صَبَّهً، بلیغةَ الألفاظ، کریمَةَ المعانی، مُتَوَاتِرَةً المُنون، متضافرةَ الأسانید. منها، من طریقِ رئیسِ المحدثین، أبی جعفر الكلینی... فی جامعِهِ الکافی...»^۱.

- ما احادیث فراوان بسیاری در دست داریم، همه دارای الفاظی بلیغ، و مضامینی بس گرانبها، با «متن»هایی متواتر (قطعی الصدور)، و سندهایی بسیار، که از جمله، آن احادیث را، رئیس محدثین، شیخ ابو جعفر کلینی، در کتاب «جامع کافی»، نقل کرده است.

نیز:

«فهذه جملةٌ جميلةٌ، مِنْ أَحادیثِهِم، الجامعة لِمکنوناتِ العلم، و غامضاتِ الحکمة. وأیْمُ الله، إِنَّها - بعدَ الکتابِ الکَریم، والذکرِ الحکیم - لَهِیَ المَحقوقَةُ بأنْ تَکونَ کَلِمَةً اللهِ العَلِیَّی، وَحِکْمَةً اللهِ الکَبِری، و عِروَةَ اللهِ الوُثْقَى، وَصِبْغَةً اللهِ الحُسْنی، صَلواتُ اللهِ التَّامَّاتُ عَلَیْهِم، فَإِنَّهُمْ حُجَجُ اللهِ بَعْلَمِ الکتاب، وَفَصَلِ الخُطاب، فی الآخِرَةِ والأوَلی، وَالْحَمْدُ لله ربِّ العالمین»^۲.

۱. «القیاسات» / ۱۲۸، چاپ دکتر مهدی محقق و... تهران (۱۳۵۵ ش).

۲. «القیاسات» / ۱۴۲.

- این، مقداری بود دل‌انگیز، از احادیث آل محمد «ص»، احادیثی جامع علوم پوشیده، و حکمت‌های عمیق و پیچیده، و به خداوند سوگند! احادیث - پس از کتاب کریم و قرآن حکیم - تنها و تنها حقایقی هستند که باید چنین دانسته شوند:

● سخنان بلند خدایی ...

● حکمت اعلای الهی ...

● غرّة الرقی (ریسمان استوار) ربّانی ...

● و حقیقت حقّه دین آسمانی ...

نیز:

«وَطَّقَى مَطَاوِي هَذَا الْحَدِيثِ الشَّرِيفِ، غَامِضَاتُ الْفَلَسَفَةِ الرَّبُّوبِيَّةِ، بَلْ رُبُوبِيَّاتِ الْعِلْمِ الَّذِي فَوْقَ الطَّبِيعَةِ، شَطْرٌ مِنْ تَفْسِيرِ هَذَا الْحَدِيثِ وَشَرْحِهِ»^۱.

- در خلال این حدیث شریف،^۲ عمیق‌ترین مطالب فلسفه الهی آمده است، بلکه باید گفت؛ مسائل مطرح در فلسفه الهی، قطره‌ای است از دریای این حدیث.

و جناب صدر المتألهین شیرازی (م: ۱۰۵۰ ق) نیز می‌فرماید:

«وَإِيَّاكَ أَنْ تَسْتَشْرِفَ الْإِطْلَاعَ عَلَيْهَا (الْأَحْوَالِ الْمَعَادِيَّةِ)، مِنْ غَيْرِ جَهَةِ الْخَبَرِ، وَالْإِيمَانِ بِالْغَيْبِ ...»^۳

۱. «القبسات» / ۱۳۷.

۲. حدیث ذُغَلِبَ یَعْنِی، در توحید، از حضرت علی «ع»، که در خود «قبسات» ذکر شده است.

۳. «تفسیر سوره یس» / ۱۵۱.

- مبادا، مبادا، بخواهی، چگونگی احوال معاد و جهان آخرت را،
از غیر طریق «قرآن و احادیث»، و ایمان به عوالم غیبی، بفهمی
و درک کنی!!

و فیلسوف لاهیجان، ملا عبد الرزاق لاهیجی (م: ۱۰۷۲ ق) نیز می گوید:

«دلیلی که مؤلف (مبتنی) باشد، بر مقدمات (اخبار و احادیث)
ماخوذ از معصوم «ع»، افاده یقین تواند کرد، (مانند قیاس
برهانی)، به این طریق که: (این مقدمه، گفته معصوم «ع» است
(یعنی: حدیث)، و هر چه گفته معصوم است (به حکم عقل)، حق
است، پس این مقدمه (مطلب حدیثی)، حق است»^۱.

اکنون که به نقل چند سخن از بزرگان پرداختیم، درباره «حدشناسی»، در فلسفه،
و اهمیت علمی و قطعی علوم آل محمد «ص»، و ضرورت رجوع به «ثقلین»، برای
درک حقیقت، مناسب است سخنی مهم، از امام خمینی (قده) نیز بیاوریم:

«کسانی که فلسفه بخوانند، بطوری که منحرف نشوند، کم اند»^۲.

این سخن، نظر صریح فلسفه شناسی کم مانند است، در روزگار ما، که طرفدار
فلسفه هم بوده اند، نه اینکه تفکیکی باشند، و با این وجود، رجوع به فلسفه، و خواندن
فلسفه، و تدریس بی قید و شرط فلسفه را، موجب انحراف اکثریت می دانند. پس
فلسفه، نه تنها موجب رسیدن به «حقیقت» نیست، بلکه باعث انحراف اکثریت
است. و ما آن را - به تجربه نیز - مشاهده می کنیم. پس روش تدریس فلسفه، در
حوزه ها و ... که بدون آزمایش استعداد معارفی اشخاص، و میزان اطلاعات آنان، از

۱. «گزیده گوهر مراد» / ۲۳.

۲. «زندگانی آیت الله بروجردی» / ۳۱۸ - تألیف حجة الاسلام علی دوانی.

نگاه داشت، و نسل‌ها را به دین توجه داد، و با دین و با تعالیم رشدآموز دین تربیت کرد؛ و مردمان دیگر کشورها و حکومت‌ها را، از دین و سیاست دینی و مدیریت دینی آگاه ساخت. و این بسیار مهم است.

اما خطر بسیار بزرگ کدام است؟ خطر بزرگ این است که هنگامی که حکومتی دینی شد، یعنی ادعا شد که حکومت دینی است، و نام حکومت دینی و اسلامی بر آن گذاشته شد، هم جامعه داخل و هم جامعه‌های خارج، انتظار دارند یک مدیریت کاملاً سالم، و یک حاکمیت والای انسانی ارائه شود، حاکمیتی که - بنابر طبیعت دین اسلام - بیش از اینکه اعمال قدرت کند، به تربیت پردازد، و «فرهنگ‌سازی» در هر زمینه را «اصل» بداند.

حاکمیت دینی - در واقع - یک نوع خدمت است، به معنای پشتیبانی و نزدیکی به مردم، و حفظ منافع و مصالح دنیوی و اخروی مردم... و باخبر بودن از وضع زندگی طبقات مردم، و حساس بودن درباره حال و روز مردم فرو دست و له شده...

و روشن است که چنین حکومتی، باید افرادی صالح و زاهد داشته باشد، و در همه زمینه‌ها به (کلام الله) - با وسواس و دقت - عمل کند، در سیاست، در مدیریت، در اقتصاد و معیشت، در حقوق و قضاوت، و بقیه زمینه‌های زندگی اجتماعی. خطر از اینجا بروز می‌کند که صالحانی که دقیقاً و متعهدانه، قرآنی عمل کنند، و خواهانی‌هایی نداشته باشند، بهم نرسند، یا موانعی - داخلی و خارجی - پیش آید، که عملکرد صحیح و دقیق قرآنی را میسر نسازد، و در این صورت، کار از بنیاد دگرگون می‌شود!!

و اینجا است که «بدعت»‌های عملی (که چه بسا زیانبارتر از بدعت‌های نظری است)، پدید می‌آیند، و دین خدا - به جای آنکه ترویج گردد - تخریب می‌گردد، و نسل‌های ناآگاه، سرخورده می‌شوند، و دشمنان طرّار و مأمور و ارزش ستیز دین

الهی زبان در می آورند، و با انواع وسایل ارتباطی، در دنیای امروز، و در سطح جهان، به تضعیف بنیان دین حق، و ترویج افکار باطل می پردازند.

در چنین احوالی، طبق حدیث مشهوری که علمای اسلام، از پیامبر اکرم «ص» نقل کرده اند (إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ، فِی أُمَّتِی، فَلْيُظْهِرِ الْعَالَمُ عِلْمَهُ ...)،^۱ باید دانشمندان مطلع و صلاحیت دار دینی، بر طبق دومدرک اصلی دین (قرآن و احادیث، کتاب و سنت)، حقایق دین، و تعالیم پیامبر اکرم «ص» و اوصیاء معصومین پیامبر را در اختیار مردم قرار دهند، تا مردم با خواندن کتاب های مستند و مُتَقَن، عقاید دینی خود را حفظ کنند، و در انجام دادن عبادات و وظایف دینی خود در حالت فردی و اجتماعی - سستی نورزند ...

در احادیث آمده است که زمان هایی خواهد آمد که مردم با «کتاب» می توانند دین خود را حفظ کنند (أَمَنُوا بِسَوَادِ عَلِیٍّ بِيَاضِ ...)،^۲ اکنون همان روزگار است. و چون سخن از حکومت دینی و اسلامی است، لازم است اطلاعات متقن و دست اول، درباره حکومت اسلامی (بر مبنای قرآن و احادیث) در اختیار جامعه قرار گیرد، تا معیار در دست باشد، و همه بتوانند تشخیص دهند که کدام عملکرد، مطابق احکام دینی و سیاست دینی است و کدام عملکرد مطابق نیست ... بدینگونه دو نتیجه بسیار مهم و حیاتی - به خواست خداوند متعال - بدست می آید:

۱ - دوستان به حفظ دین متعهد می مانند.

۲ - دشمنان از تخریب دین مأیوس می شوند.

در ضمن ... صاحب نظران منصف جهان، که از شرافت انسانی، و وجدان اخلاقی، و روحیه علمی برخوردارند، و از جانب استعمارگران دشمن انسان و اسلام، مأموریتی

۱. «سفینه النجاة» ۶۳/۱ (چاپ سنگی).

۲. «مکارم الاخلاق» ۵۱۳.

چرا، در تعالیم اسلامی، و احادیث پیامبر اکرم «ص» و معصومین «ع»، اینهمه بر معاشرت با محرومان، و اطلاع یافتن از حال و روز سیاه آنان، تأکید شده است؟ این تأکیدها و تکلیفها، بی حکمت نیست. این احادیث، اهمیت انسان، و کرامت انسان، و شأن انسان را، در نظر اسلام بخوبی روشن می کند. حتی ۳۲ حقی،^۱ که اسلام، برای حیوانات قائل شده است، نشان می دهد که اسلام، این دین توحیدی بر حق، به شان و حقوق همه مخلوقات نظر کامل دارد، نیز سفارش هایی که درباره درختان و گیاهان شده است.^۲

در اینجا، چند نمونه عملی، از حاکم اسلامی، یعنی از امام امیرالمؤمنین، علی بن ابیطالب «ع» می آوریم تا معلوم شود، حاکم اسلامی یعنی که، و حکومت اسلامی یعنی چه؟

گاه، هنگامی که از سیره عملی، و روش و عملکردهای امام علی «ع»، در زمان حکومت خود، چیزهایی نقل می شود، فرصت طلبان نامتعهد، یا جاهل، و منافع جویان بی تقوا می گویند، او علی بود! تا خود را از مسئولیت برهانند... و این، مغالطه ای بسیار بزرگ است، زیرا علی «ع»، طبق وظایف یک حاکم اسلامی حکومت می کرد، نه بر مبنای عصمت و باطن. و از اینروست که گاه در «نهج البلاغه» می بینم، نامه ای به کسی نوشته، و در آن فرموده است: «پدرت آدم خوبی بود، و همین مرا گول زد، و گمان کردم تو هم مثل پدرت آدم خوبی هستی، و همانگونه کار خواهی کرد؟»^۳.

نیز، در نامه ای به اهل بصره: «هر کس نامه من به دست او رسید، به نزد من بیاید،

۱. همین جلد / ۱۴۴.

۲. همین جلد / ۴۷۹.

۳. «نهج البلاغه»، نامه ۷۱.

اگر دید من درست عمل کرده‌ام، یاریم کند، و اگر دید بد عمل کرده‌ام، مرا مورد مؤاخذه قرار دهد، و بخواهد که جبران کنم؟!۱

و چگونه می‌شود، معصوم اینگونه سخن بگوید؟ برای اینکه امام علی «ع»، در حکومت خود، بعنوان یک حاکم اسلامی عمل می‌کرد. و تفاوتی که بود، در سخت‌گیری مایی بود، که در حق خود، و خانواده خود، و نزدیکان خود رومی داشت.

حکومت، براساس عصمت و باطن، در بُره‌ای کوتاه، در زمان حکومت داوود پیامبر «ع» اجرا شد، و سپس در ظهور دولت حق حضرت امام قائم و مستقیم، امام مهدی موعود «عج»، اجرا خواهد گشت.

و اگر از این هم تنزل شود، حکومت اسلامی، در اجرای غیر معصوم، باید - بتمام و کمال - با «عهدنامه مالک اشتر نخعی» منطبق باشد، وگرنه اسلامی نیست.

(۱)

الإمام علی «ع» - رَأَيْتُ فِي الْمَدِينَةِ رَجُلًا، عَلَى ظَهْرِهِ قَرْبَةً، وَفِي يَدِهِ صَخْفَةٌ... فَأَتَيْتُهُ حَتَّى عَرَفْتُهُ، فَإِذَا هُوَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ «ع»، فَأَتَنِي رَجُلًا فَأَطَقَمَهُ ۲.

امام علی «ع» - محمد بن عثمه، از پدر خود نقل می‌کند که: در مدینه مردی را دیدم که مشکی بر پشت و کاسه‌ای در دست داشت... چون نزدیک شدم او را شناختم، علی بن ابیطالب «ع» بود، که پیش مردی رفت، و به او خوراک داد.

۱. «نهج البلاغه»، نامه ۵۷، «شرح عبده»، جزء ۳/ ۱۲۵.

۲. «مستدرک الوسائل» ۱/ ۵۴۰.

خرمای خوب را روی جنس نگذارید و خرمای بد را زیر (همه را با هم به مشتری نشان دهید!)؛ بعد به محل ماهی فروشان رفت و گفت: ماهی خوب بفروشید، مبادا ماهیی را که روی آب مرده است بفروشید!

آنگاه به کُناسه (مرکز بازار) آمد، که در آنجا انواع فروشندگان بودند: برده فروش، قنذاق فروش، شتر فروش، صراف، بزّاز، و خیاط، و در آنجا با صدای بلند گفت:

ای تاجر ان و کاسبان! بازارهای شما پر است از قسم و قسم خوردن، هرگاه قسمی خورید، صدقه بدهید! و مبادا به خدا (و نام خدا - الله) قسم بخورید!

(۵)

الإمام علی «ع»: إِنِّي رَأَيْتُ كَلَامَكَ، كَلِمَةً خَصِيكَ...^۱

«امام علی «ع» - (خطاب به قاضی بزرگ بصره، که او را به همین جهت از قضاوت عزل کرده بود، یعنی: ابوالأُسود دُکلی (م: ۶۹ق)، از عالمان و شاعران و سخندانان و شخصیت‌های بزرگ شیعه): تو را عزل کردم، چون دیدم، در برابر متّهم، صداقت را بلند می‌کنی (و این هتک حرمت کسی است که به هر عنوان در دادگاه حاضر شده است).

(۶)

الإمام الرضا «ع»: الْمُعْزَمُ إِذَا تَدَيَّنَ أَوْ اسْتَدَانَ فِي حَقٍّ، أُجِّلَ سَنَةً، فَإِنْ أَسَّعَ، وَإِلَّا قُضِيَ عَنْهُ الْإِمَامُ مِنْ بَيْتِ الْمَالِ.^۲

۱. «مستدرک الوسائل» ۱۹۷/۳.

۲. «اصول کافی» ۴۰۷/۱.

«امام رضا» ع: کسی که برای مصرف درستی وام بگیرد (و قرض کند)، باید برای پرداخت آن، یکسال به او مهلت داد، تا اگر توانست قرض خود را بپردازد، وگرنه، امام (حاکم اسلامی)، باید از بیت المال قرض او را بدهد.

«این است و اینگونه هاست، رسیدگی به وضع مردم، و دفاع از حقوق و شرافت و کرامت مردم افتاده و بی پناه ... در برابر ارباب «کیل و میزان» (تجاوزکاران معاملات و بازار و میادین ...)، و دستگاه های قضایی فاقد کنایت، یا صلاحیت، که اعضای متکثر و سرمایه اندوز دارد ... و اهل تساهل در حقوق توده هاست، و در ارتباط پنهان و غیر پنهان، باتوانگران «شر امت» ...»

و اگر حکومت اسلامی باشد، روش اسلام در حاکمیت این است، و اطلاع از وضع مردم، و رسیدگی به حال و روز فلاکت بار مردم (از قشرهای محروم ...)، و حفظ حرمت انسان و کرامت مردم ... و آزادی انسان ... اینچنین ... والا، فلا ...»

مؤلفان، زمستان ۱۳۹۰